

## اخلاق علوی در پرتو الزامات روابط دیپلماتیک

### دکتر کیوان لولوئی

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

k.loloie@gmail.com

### سید محمد جعفری نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

(دیپلماسی کنترل تسلیحات)، مالک اشتر تهران، ایران

### ابوالقاسم بابانبار سرخی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

(دیپلماسی کنترل تسلیحات)، مالک اشتر تهران، ایران

---

## چکیده

می توان اذعان نمود که امروزه، دولتها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین الملل، برای تامین منافع ملی خود تا اندازه ای به پارادایم مشترکی در زمینه مذاکرات فی ما بین رسیده اند. هرچند برای رسیدن به یک جامعه جهانی آرمانی، تلاش و فاصله زیادی در پیش است، اما با ظهور ادبیات نوین دیپلماتیک در بستری که با رشد روز افزون خود، فضایی جدید بر پایه ادب، صداقت، صراحت، وفای به عهد و در یک کلام؛ اصول برگرفته از کرامت انسانی، ایجاد نموده است، شاهد هستیم که بازیگران اثرگذار نظام بین الملل اگرچه در برخی موارد برای کسب پرستیژ هم که شده آن را مورد ملاحظات خود قرار داده اند. نکته قابل تامل این نوشتار در اینجاست؛ دریافت این ادبیات به اصطلاح نوین که در قبال پرداخت هزینه هایی گزاف، در اختیار بشر امروزمین قرار گرفته، پیش و بیش از این، ریشه تاریخی در اندیشه ناب اسلام شیعی و در پرتو تبعیت از اندیشه های ژرف امام نخست شیعیان؛ امام علی - علیه السلام، داشته است. بدین اعتبار، این نوشتار حول محور اندیشه های اخلاقی - سیاسی امام علی (ع) در برقراری روابط فی مابین، به خصوص در برابر رقیبان سیاسی، گشتاور خواهد داشت.

**واژگان کلیدی:** اخلاق علوی، اخلاق سیاسی، نظام بین الملل، روابط دیپلماتیک، منافع ملی

## مقدمه

باید اذعان نمود که امروزه، بازیگران اصلی نظام بین الملل ( دولت ها)، برای تامین منافع ملی خود تا اندازه ای به پارادایم مشترکی در زمینه مذاکرات فی مابین رسیده اند. از آنجاکه حافظه ی تاریخی آنان شاهد جنگهای ویرانگری چون؛ جنگهای جهانی اول و دوم بوده است، خود دلیلی واضح و مبرهن، برای رسیدن به اشتراکی برخواسته از دلهره عدم تکرار جنگهای خانمان براندازی باشد. اکنون شاهد هستیم که دولتها به اعتبار چنین فضای برساخته از بافت موقعیتی عصر حاضر، رویکردی دیگر در تعاملات و تبادلات فی مابین در نظر گرفته اند.

به هر حال گرچه برای رسیدن به جامعه جهانی آرمانی هنوز فاصله ی زیادی در پیش است، ولی ادبیات نوینی که در بستر تعاملات بین المللی شکل گرفته با بلوغ خود، فضایی نو، بر پایه ی ادب، صداقت، صراحت، وفای به عهد و در یک کلام؛ کرامت انسانی را مورد توجه قرار داده است. اینک مشاهده می شود؛ که نخبگان مذاکره کننده بین المللی، با چارچوبی بر ساخته از این ادبیات نوین، به مراتب دستاوردهای مناسب تر و بهتر در مقایسه با گذشته بدست می آورند. لذا نکته قابل تأمل این نوشتار در این است؛ دریافت این ادبیات به اصطلاح نوین که در قبال پرداخت هزینه ای گزاف، در اختیار بشر امروزین قرار گرفته، پیش و بیش از این، ریشه تاریخی در اندیشه ناب و اسلامی شیعیان، حضرت امام علی-علیه السلام، داشته است. ما معتقدیم؛ که اگر جبر زمان اجازه ی اشاعه ی آن اندیشه ی ناب را مهیا می نمود، اکنون خاطره بشری شاهد ویرانه های حاصل از عدم رعایت اخلاق در مناسبات بین المللی نبود. اهمیت و ضرورت تحقیق نشأت گرفته از ادبیات نوینی است که امروزه ما با آن مواجه هستیم و در بستر تعاملات بین الملل به عنوان چارچوبی برساخته که با آزمون و خطا تجربه شده و مورد قبول جامعه بشری قرار گرفته و به عنوان اصل اساسی به آن نگریده و بر چنین گفتمانی تاکید شده، در گذشته دور در مکتب تشیع و اندیشه ناب امام اول شیعیان؛ امام علی (ع)، نگریده و به آن عنایت داشته است. لذا آنچه مهم است و می بایست به آن توجه داشت، تبیین و تفهیم اندیشه ناب تشیع و آنهم در اندیشه امام علی (ع) که متصدی این اندیشه است. این نوشتار حول محور اندیشه های اخلاقی- سیاسی امام علی (ع) در برقراری روابط به خصوص در برابر رقیبان سیاسی، گشتاور خواهد بود.

هدف از این تحقیق این است که سعی شود بستری مفهومی در جهت شناخت بیشتر تفکر علوی ایجاد شود تا نه تنها بر شناخت کارگزاران نظام موثر باشد بلکه بستری فراهم کند تا دیپلمات های کشور به چنین تفکر عمیق شیعی تکیه نموده و در این حال در جهت ترویج چنین تفکری سعی و تلاش نمایند تا این فرهنگ ناب اسلامی بر گستره گیتی نقش بندد. اکنون سؤال اصلی این است که اخلاق علوی چه آثاری بر تبیین راهبرد های دیپلماتیک دارد؟ و در پی اثبات این فرضیه است که اخلاق علوی میتواند بر تبیین راهبرد های دیپلماتیک با رویکرد شیعی اثرگذار باشد و در قبال آن می توان رویکرد بدیع و تعاملی با مبنای اسلامی ایرانی مبتنی بر هویت اسلامی ایرانی به جهان عرضه کرد. البته در مقابل، فرضیه رقیب قائل است که اساساً اخلاق در حوزه روابط سیاسی هیچگونه دخالتی نمیتواند داشته باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی- تحلیلی بوده و جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و میدانی صورت پذیرفته است.

#### ۱- راهبرد اخلاق علوی در برقراری روابط دیپلماتیک

دین مبین اسلام، که خاتمیت و کاملیت قاعده مند لطف خداوند، در تمامی ابعاد می باشد و از جانب پیامبر عظیم الشان اسلام- حضرت محمد(ص) به جهانیان ابلاغ گردیده است؛ حاوی برنامه هایی چند وجهی و راهبردی برای سامان دادن حیات انسانی می باشد که معتقدیم بخشی از آن توسط رسول اکرم(ص) ارائه گردید و از شجره طیبه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) برای بهره مندی تمامی اعصار به کمال خود رسیده است. حضرت امیر المؤمنین می فرمایند: «خداوند اسلام را به گونه ای استحکام بخشید که پیوندهایش ننگسند، و حلقه ها یش از هم جدا نشود، ستون هایش خراب نگردد، در پایه هایش زوال راه نیابد، درخت وجودش از ریشه کنده نشود، زمانش پایان نگیرد، قوانینش کهنگی نپذیرد(دستی، ۱۳۸۰:ص ۴۱۷). امروزه با عنوان رویکردهای به اصطلاح نوین در عرصه مناسبات انسانی مشاهده می شود؛ مسائل راهبردی که اسلام علوی در قرن های دور و از زبان پیامبر(ص) و امیر المؤمنین علی (ع) به جهانیان عرضه داشته است، آنچنان بدیل و کاربردی است که هر منصف به دور از عنادی را وادار به فرو آوردن سر تعظیم به رسم ادب در پیشگاه عقل و منطق مکتب علوی می نماید. لذا حضرت علی (ع) می فرمایند: «اسلام

پرچمی است که برای راهنمایی پویندگان راه خدا نصب گردیده، و آبشخوری است که وارد شوندگان آن سیراب می شوند، راهنمایی همیشه روشن، شعله روشن بخش، برهانی نیرومند، و نشانه ای بلند پایه است. (همان: ص ۴۱۷)

رویکرد اسلام علوی در مناسبات انسانی، همواره بر پایه اصول بشر دوستانه و تعاملات بر پایه اخلاق و ادب بوده است تا جائیکه در میدان نبرد هم، این پیشوای شیعیان است که در برابر دشنام دشمنان علیه ایشان، آن زمان که یارانش در پی تلافی و جبران بی ادبی دشمنان علی (ع) بودند، ایشان آنها را از اقدام تلافی جویانه با این کلام که: «من از ناسزاگویان بیزارم» باز می دارد. بی جهت نیست که نویسنده مسیحی در مورد آن دریای بی کران ادب می گوید: «چرا دیده به هر کران ندوخته ای تا مقام و موقعیت آن اندیشه را در میان بشریت نیک دریایی و بدانی که از دیدگاه وی، پیوند انسان با انسان، در اجتماعی که از آن همه و برای همه است بر اساس برابری، بنیاد یافته است.» (جرداق، ۱۳۸۰: ص ۵۸۶) اکنون با نگرشی اجمالی به رهنمودهای پیشوای شیعیان می توان راهبرد اخلاق اسلامی در برقراری تعاملات و مناسبات انسانی را اینگونه برشمرد:

۱-۱) نگرش بشر دوستانه به حریف از آن جهت که ممنوع توست، حتی اگر در حق تو بدی کرده باشد.

۲-۱) رعایت صداقت در امور.

۳-۱) عدم به کارگیری نیرنگ و فریب در مناسبات انسانی.

۴-۱) لزوم داشتن صراحت در بیان برای پیشگیری از هرگونه ابهام و سوء برداشت.

۵-۱) وفای به عهد.

۶-۱) لزوم رعایت خویشتن داری در مقابل حریف و رعایت حلم و بردباری و اهتمام در حفظ زبان از گفتن کلام لغو.

۷-۱) لزوم انجام مشورت در امور.

۸-۱) فرصت شناسی.

اینک، به توضیح موارد فوق می پردازیم.

**۱-۱) دیدگاه بشر دوستانه اخلاق علوی در مناسبات فی مابین**

از آنجائیکه اسلام دین کاملی برای هدایت بشری است و بنیان آن بر قاعده لطف پایه ریزی گردیده؛ بدین اعتبار که در اخلاق سیاسی خود راهبردی برساخته از بستر اخلاق اسلامی دارد، همواره و در همه حال بر رعایت حقوق انسانی تأکید نموده است. لذا حافظه ی تاریخ بشریت سرشار از وقایع کریمانه و انساندوستانه ای است که امام و پیشوای شیعیان در برابر دشمنان خود داشته است؛ جرج جرداق در کتاب خود می نویسد: «آیا از تاریخ درباره رزمنده دلاوری که سخت شجاع است، پرسیده ای دشمنان میدان کارزار را هم، به خاطر آنکه انسان هستند، دوست بدارد و تا آنجا در این مهرورزی پیش برود که به یاران خود آنها را توصیه کند؟ در حالیکه او اصلاح طلب بزرگ و لایق و صالحی است که مورد حمله آماج تیرهای فریب و نیرنگ آنان قرار گرفته است و بگوید: «تا آنها شروع نکنند، با آنها نجنگید و اگر به یاری خدا شکست خوردند، کسی را که تسلیم شد از پای درنیاورید و آنکه را فرار می کند، تعقیب ننمائید و زخمی شدگان را زخم دیگر نزنید و یاری کنید و زنان را آزار نرسانید(همان:ص ۵۶). راهبرد اسلام در مناسبات انسانی بر پایه اخلاق و عدالت بشر دوستانه است. حضرت علی (ع) در سفارش به فرزند خود می فرماید: «ای پسر من! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران مپسند؛ ستم روا مدار آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آنگونه که دوست داری به تو نیکی شود و آنچه را که برای دیگران زشت می داری برای خود نیز زشت بشمار(دشتی، ۱۳۸۰: ص ۵۲۷). البته بایستی توجه داشت که اسلام شیعی همواره با توجه به نگرش مکتبی خود «امر بین الامرین» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ص ۴۱) را در نظر داشته و به دنبال رعایت اعتدال در کلیه ی امور بوده است و بر همین اساس پیرامون خود را از هرگونه افراط و تفریط در مسائل پیشرو منع می نماید. حضرت علی (ع) در رعایت اصول دوستی و همچنین تقابل و دشمنی می فرمایند: «در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد، و در دشمنی نیز مدارا کن، شاید روزی دوست تو گردد(دشتی، ۱۳۸۰: ص ۶۹۵). این عبارت که نشان دهنده ظرافت رویکرد علوی در تعاملات انسانی است، خط مشی دقیقی است برای برقراری روابط دیپلماتیک

عصر حاضر ، که می بایست یک فرد دیپلمات مسلمان در برقراری مناسبات خود، آنرا مورد ملاحظه قرار دهد و همچنین این فرهنگ انسانی و بشردوستانه را به گوش انسان های تشنه علم و معرفت برساند تا فرهنگ علوی با پشتوانه عقل و منطق و استدلال و براهین متقن برگستره گیتی عالم گیرشود.

#### ۱-۲) رعایت صداقت در امور

امروزه یکی از اصول شناخته شده و عرف در دستگاه های دیپلماتیک ؛ لزوم داشتن و نشان دادن صداقت در امور مورد مذاکره است ، که البته دین مبین اسلام و اخلاق علوی آنرا تأیید نموده و مورد تأکید قرار داده است. در حقیقت می توان گفت بارزترین و آشکارترین جلوه های عدالت جهان هستی در عالم جمادات و دنیای زندگان ، و در هر چیزی که مربوط به طبیعت هستی و خصلتهای موجود می باشد، همان صدق و راستی و خالصی مطلق است.» در واقع صدق و راستی مدار گردش زمین و فلک و محور شب و روز است! و تنها با صدق و راستی است که فصول چهارگانه ، پشت سر هم می آیند و می روند و یا باران می بارد و خورشید نور می دهد و می درخشد! و از آنجا که علی بن ابیطالب(ع) دقت و توجه کافی نسبت به صدق و راستی هستی داشت و همراه آن به سر می برد و در کنار آن زندگی می کرد، اصلاح و تربیت مردم را بر پایه بینش و خرد و احساس و درک خود، نخستین هدف خویش قرار داد» (جرdaq، ۱۳۷۶ ص:۲۰۰).

بر این اصل است که می فرماید: « نشانه ایمان آن است که راستی را اگر چه به ضرر تو باشد، بر دروغ اگر چه به سود تو باشد، ترجیح دهی» (همو:ص ۲۲۹). اخلاق علوی نه تنها تأکید بر رعایت صدق و راستی در عمل دارد ، بلکه سفارش می کند که انسان حتی خود را در جایگاهی قرار ندهد که برای دیگران سوء برداشت از عدم صداقت ایشان پیش بیاید «اتقوا من مواضع التهم» (مجلسی، ص:۴۰۱) و از این منظر است که علی (ع) تأکید می فرماید: «کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید به جز خود را نکوهش نماید»(جرdaq، ۳۷۶:ص:۲۲۸) و این مطلب یعنی اینکه ؛ فرد نه تنها می بایست در امورش صداقت داشته باشد ، بلکه موظف است به دیگران نشان دهد که در اعمالش صداقت دارد تا از هرگونه ایجاد سوء تفاهم جلوگیری بنماید، و چه زیباست که صداقت و راستی از منظر پیشوای شیعیان به عنوان بهترین ملاک ارزش گذاری و عیار سنجی افراد

و شرط حیات انسانیت قرار گیرد و دست آویزی باشد برای فلاح و رستگاری انسانها در انجام امورات پیش رو ، آنگونه که می فرمایند: « ارزش مرد به اندازه همت اوست ، و راستگویی او به میزان جوانمردی اش. » (دشتی، ۱۳۸۰:ص ۶۳۵). « دروغگو و مرده یکسانند ، برای آنکه برتری انسان زنده بر مرده ، در امکان اعتماد بر اوست و اگر به سخن کسی نتوان اعتماد و اطمینان یافت ، زندگی او بی فایده است » (جرداق، ۱۳۷۶:ص ۲۰۰). « از دروغ بر کنار باشید ، که با ایمان فاصله دارد. راستگو در راه نجات و بزرگواری است ، اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است » (دشتی، ۱۳۸۰:ص ۱۴۵). « آنکه حرف راست در کلامش نباشد ، بهترین اخلاق خود را از دست داده است » (جرداق، ۱۳۷۶:ص ۴۴۶). در واقع امام علی (ع) می خواهند اینگونه به پیروانش و به مراتب اولی تر به کلیه ابناء بشر در تمامی اعصار این پیام را برسانند که رسیدن به اهداف ، بر خلاف رویکرد هدف مدار رئالیسم ماکیاولیستی ، که رسیدن به هدف را توجیه گر هرگونه وسیله می دانند ، در هر شرایطی مذموم و مورد نفرت نظام صادق هستی است. پس می فرمایند: « در همه کارها ، راستی و صداقت را پیشه خود سازید » (همو، ج ۳:ص ۲۰۴). چرا که ؛ « هر ظاهری باطنی متناسب با خود دارد، آنچه ظاهرش پاکیزه باطن آن نیز پاک و پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلیداست باطنش نیز پلیداست. هردرختی که آبیاری اش به اندازه و نیکو باشد شاخ و برگش نیکو و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش پاکیزه نباشد، درختش عیب دار و میوه اش تلخ است » (دشتی، ۱۳۸۰:ص ۲۸۷).

### ۱-۳) عدم به کارگیری نیرنگ و فریب در مناسبات انسانی

هر چند در گذشته استفاده از شگرد و روش فریب و نیرنگ در دستگاه دیپلماتیک با رویکرد واقع گرایانه ی هدف محور ، امری عرفی و توجیه پذیر جلوه می نمود ، امروزه صاحب نظران عصر پست مدرنیسم ، عدم به کارگیری این شیوه را ، به مراتب مؤثرتر و نتیجه پذیرتر از رویکرد عصر مدرن دیپلماتیک می دانند. حقیقت آن است که ؛ اخلاق سیاسی اسلامی علوی نه تنها به کار بردن شیوه فریب و نیرنگ را در مناسبات فی مابین مذموم و منفور می شمارد بلکه می فرماید: « از نیرنگ و خدعه پرهیزید که اخلاق مردم پست و زبون است » (جرداق، ج ۳، ۱۳۷۶:ص ۲۰۷). بلکه

ریشه منفوریت و مذمومیت و نیرنگ را در نافرمانی خداوند و دین‌گریزی فرد فریبکار می‌دانند، برای همین است که می‌فرمایند: «آنکس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد از فرصتها برای نیرنگ‌بازی، استفاده می‌کند» (دشتی، ۱۳۸۰:ص ۹۵) و آنگاه که خواستند او [علی(ع)] را به پیروزی، به هر وسیله‌ای که مقدور باشد، مایل سازند، چنانکه دیگران اعمال می‌کنند، فرمود: «کسی را که گناه و زشتی بر او غلبه داشته باشد، هرگز نتوان پیروز خواند و آن کسی که با بدی و ستم غالب گردد، در واقع شکست خورده است» (جرداق، ج ۱، ۱۳۷۶:ص ۶۷). علی (ع) در رفتار با دشمنان تجاوز کارش با مکر و حيله آشنائی نداشت، در صورتیکه از همه کس بهتر می‌دانست که نیرنگ و فریب، تنها راه‌هایی از توطئه‌های آنان است، و هنگامی که نیرنگ و حيله معاویه آشکار شد، ایشان این عبارت را که نمودار اخلاق بزرگان است بر زبان آورد: «به خدا سوگند که معاویه سیاستمدار تر و باهوش تر از من نیست، او مکر و نیرنگ می‌زند و اگر مکر و حيله زشت و ناپسند نبود، من از همه مردم سیاستمدار تر بودم» (همان:ص ۱۰۸؛ دشتی، ۱۳۷۶:ص ۴۲۳)

#### ۱-۴) صراحت در بیان

یکی از مبانی اصول دیپلماسی در مذاکرات امروزی نظام بین‌الملل، لزوم داشتن صراحت در بیان و کلام می‌باشد. به عبارتی امروزه هیئت دیپلماتیک در مذاکراتشان تلاش دارند تا در فضایی کاملاً روشن و شفاف به مذاکره پیرامون امور مورد نظر خود بپردازند. بالطبع مذاکره در چنین فضایی، هر گونه ایجاد ابهام و سوء برداشت از مذاکرات فی‌مابین را از بین خواهد برد. با بررسی اخلاق سیاسی - اسلامی مکتب تشیع، خواهیم یافت که چنین رویکردی ریشه‌های تاریخی در اندیشه‌های ناب شیعیان داشته است.

حضرت علی (ع) پس از تشکیل حکومت اسلامی، پیرامون روش و منش کارگزاران سیاسی خود؛ به فرماندارش دستور می‌دهد که پیمان مبهم و غیر روشن؛ که می‌توان آنرا بر خلاف واقع تأویل و تفسیر کرد، نبنندند تا راهی برای فریب دشمن و گول زدن هم‌پیمان و یا فرار از عهد یا نقض آن وجود نداشته باشد. لذا آنجاست که با قاطعیت تمام می‌فرماید: «پیمان مبهم و قابل تفسیر منعقد مساز و پس از برقراری و استوار نمودن عهد و پیمان، گفتار دو پهلوی به کار مبر» (جرداق - ج ۱، ۱۳۷۶:ص ۲۶۴). پر واضح است که امام علی (ع) می‌خواهد با چنین فرمانی، پیش‌تر و



جلوتر از هرگونه دستاویز قرار دادن ابهام در کلام برای به کار بردن نیرنگ و فریب در مناسبات کارگزارانش جلوگیری به عمل آورده تا در چنین فضای اخلاقی ایی به جذب حداکثری در راستای اهداف اسلامی بپردازد. پس می توان بر این اساس اذعان نمود که لزوم داشتن صراحت در بیان در کنار عدم به کار بردن نیرنگ و فریب در مذاکرات ، دو همپای اخلاق سیاسی مکتب تشیع است که سبب رعایت عهد و پیمان در روابط فی ما بین خواهد بود. جرج جرداق می گوید: « در واقع صراحت ، راستی ، اخلاص ، مردانگی و صفاتی از این قبیل، همه با هم برادرند و این از صراحت علی (ع) بود که چیزی را که در دل یا در نظر داشت، پنهان نمی ساخت و آنچه را که در درون و نیت خود نداشت اظهار نمی کرد. در واقع، صداقت در باطن و ظاهر او جلوه گر بود» (همان:ص ۱۲۰).

#### ۱-۵) وفای به عهد

حضرت علی (ع) در نامه ای به فرماندارانش در مصر، می فرماید : « اگر بین خود و دشمنت پیمانی بستی و یا چیزی را در قبال او بر عهده گرفتی ، بر پیمان خویش وفادار باش و تعهد خود را با امانت کامل مراعات کن و تا پای جان در این راه استقامت بنما و بر عهد و پیمان خود خیانت مکن و دشمن خود را هرگز فریب مده » (همان:ص ۲۶۴). امروزه خرد بشری به این امر نائل آمده است که برای تحکیم پایه های صلح بین افراد و ملتها و به خاطر ابراز نفرت از جنگ ، انسان باید در قبال انسان دیگر ، به عهد و پیمان خود وفادار باشد. از نظر علی بن ابیطالب (ع) و در حکومت وی؛ مذهب ، ملیت ، حالت صلح و جنگ ؛ نمی توانند مانع وفاداری به عهد و پیمان گردن (همان:ص ۲۶۳). او به همان اندازه که از دروغ و دروغگویی بیزار و ناراحت است ، از عهد شکنی نیز ناراحت و بیزار است. ایشان در خطبه ای می فرماید: «وفای به عهد با راستی توأم است و من سپری نگهدارنده تر از آن نمی شناسم و هر کس که بداند سرانجام چیست ، نیرنگ به کار نبرد» (همان:ص ۲۶۴).

پس یک دیپلمات شیعه با تبعیت از اصول و اعتقادات مکتبی - مذهبی اش در نظر دارد بر شعار اسلامی خود یعنی «اوفوا بالعقود» (مائده/۱)، پایبند بماند. چرا که پیشوای او بارها و مؤکدا او را

چنین فرمان داده که «هر انسانی باید هر روز به عهد و پیمان خود بنگرد و آنرا در نظر بدارد.» (جرداق، ج ۳: ص ۲۱۱) و «ذمه ی من در گرو آن چیزی است که می گویم» و «بر تعهدهای خود وفادار بمانید» (همو، ج ۴: ص ۱۳۷۶، ۴۴۶). و «عهد و پیمان ها را پاس بدارید به خصوص با وفاداران» (دشتی، ۱۳۸۰: ص ۶۶۵).

#### ۱-۶) خویشتن داری در مذاکرات

یکی دیگر از مسائلی که دین مبین اسلام رعایت آن را در تمامی امور مورد تأکید قرار داده است، مسأله ی خویشتن داری است که فارق از مباحث روانشناسی و جامعه شناختی، اخلاق اسلامی تأکید فراوانی نسبت به لزوم رعایت خویشتن داری برای جمیع مردان و زنان با ایمان داشته است. امیر المؤمنین-علی (ع) در یکی از خطبه های خود به یکی از یارانش (خطبه معروف به همام که ایشان یکی از یاران حضرت علی (ع) بود و از حضرت در مورد خصوصیات مؤمنین سؤال فرمود و حضرت در این خطبه آن خصوصیات را بیان داشتند سپس همام فریاد زد و جان به جان آفرین تسلیم نمود) (مطهری: ص ۸). امام علی (ع) صفات مؤمنین را چنین بر می شمرد: "[مؤمن] ستمکار خود را عفو می کند، به آنکه محرومش ساخته می بخشد، به آن کس که با او بریده می پیوندد، از سخن زشت دور، و گفتارش نرم، بدی های او پنهان، و کار نیکش آشکار است، در سختی ها آرام، و در ناگواری ها بردبار و در خوشی ها سپاسگذار است، به آنکه دشمن دارد ستم نکند، و نسبت به آنکه دوست دارد به گناه آلوده نشود، پیش از آنکه بر ضد او گواهی دهند به حق اعتراف می کند، و آنچه رابه او سپرده اند ضایع نمی سازد، و آنچه رابه او تذکر دادند فراموش نمی کند، مردم را با لقب های زشت نمی خواند، همسایگان را آزار نمی رساند، در مصیبت های دیگران شاد نمی شود و در کار ناروا دخالت نمی کند و از محدوده حق خارج نمی شود، اگر خاموش است سکوت او اندوهگینش نمی کند و اگر بخندد آواز خنده او بلند نمی شود" (دشتی، ۱۳۸۰: صص ۴۰۶ و ۴۰۷).

بانگاهی اجمالی به فرازهای بیان شده از حضرت علی (ع) به نکته های قابل تأملی بر می خوریم که هر چند به ظاهر درسهایی اخلاقی در امور جاری و موسوم بشری است، اما می توان از این منظر که دیپلماسی و روابط با دیگران نیز با رویکرد های سیاسی- اقتصادی و ... به نحوی در

امورات بشری جاری و ساری هستند، لذا از این درسها می توان به عنوان چراغی برای هدایت و روشنی راه بهره گرفت ، لذا با رویکرد اخلاقی به دستگاه دیپلماسی می توان این مضامین پر معنا و عمیق را چنین برشمرد:

الف) لزوم داشتن روحیه گذشت و بخشش نسبت به طرفی که از حد و مرز خود خارج شده و احیانا از جانب او حرکتی ناروا و به ظاهر غیر قابل بخشش سر زده است: با چنین نگرشی فرد دیپلمات سعی خواهد نمود با رویکرد اخلاقی - اسلامی خود حریف مقابل را مورد عفو و بخشش قرار داده و چنانچه از جانب او عناد و دشمنی مشاهده نمود ، در راستای منافع ملی خود گام بردارد .

ب) لزوم تلاش دیپلماتیک برای برقراری پیوندهای سیاسی گسسته شده: یکی از موارد قابل تأمل در جوامع اسلامی؛ عدم وحدت و یکپارچگی آنهاست. لذا به نظر می رسد دستگاه دیپلماتیک قوی و اخلاق مدار می تواند با چنین رویکردی در جهت ایجاد مودت با دیگران ، به خصوص جوامع اسلامی ، کوشا باشد و برای برقراری فضایی آکنده از مهر و صلح و دوستی گام های مثبت و مؤثری را بردارد.

ج) حفظ خونسردی و آرامش در تمامی شرایط و حالات: به نظر می رسد از خصوصیات منحصر به فرد یک دیپلمات ماهر و با تجربه، در جهت حفظ آرامش و خونسردی در شرایط مختلف مذاکرات باشد ؛ به عبارتی دیگر یک دیپلمات موفق در لحظه به لحظه ی مذاکره خود آماده هرگونه شرایط و برخورد غیر قابل پیش بینی می باشد و پیروزی و همچنین عدم موفقیت در مذاکرات ، تأثیری در رویه ی پیش روی او نخواهد گذاشت. ضمن آنکه یک دیپلمات موفق در طول جریان مذاکرات خود نسبت به دوست و دشمن سعی می کند رعایت عدالت را رعایت و همچنین سعی می کند در جهت منافع ملی خود گام بردارد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: « در دوستی با دوست مدارا کن ، شاید روزی دشمن تو گردد ، و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن ، شاید روزی دوست تو گردد» (همان:ص ۶۹۵). «به هر صورت خویشتن داری و بزرگ منشی که دو اصل حقیقت جوانمردی و مردانگی است، هر دو از خصلت های امام علی (ع) بود و

از همان جا بود که دوست نداشت به کسی آزار برساند و لو اینکه او را اذیت کرده باشد» (جرداق، ج ۱، ۱۳۷۶: ص ۱۰۶). پس از آنکه در جنگ جمل بر عایشه پیروز شد، به نزد وی آمد و با احترامی خاص از او تودیع نمود و خود نیز در رکاب او مقداری راه رفت تا بدرقه اش کند و سپس جمعی (گروهی از زنان را در هیئت مردانه به عنوان محافظ همراه عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) فرستاد) (شیخ مفید، ۱۳۶۶: ص ۲۴۹) و به عنوان خادم و محافظ همراه او فرستاد و توصیه نمود که او را با کمال احترام به مدینه برسانند (جرداق، ج ۱، ۱۳۷۶: ص ۷).

(د) حفظ زبان و آنچه که می گوئید

حضرت علی (ع) می فرمایند: «زبان تربیت نشده، درنده ای است که اگر هایش کنی میگذرد» (دستی، ۱۳۸۰: ص ۵۵). یکی از نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد و می تواند در چگونگی پیشبرد اهداف دیپلماتیک مؤثر باشد، چگونگی بیان مطالب است. در واقع چگونگی بیان باعث می شود تا جایگاه اجتماعی ایشان نمود پیدا کند و به اعتبار آن می تواند نسبت به اهدافی که دارد برنامه ریزی نماید. حضرت علی (ع) می فرمایند: « سخن بگوئید تا شناخته شوید، زیرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است» (همان: ص ۵۵)

با این تفصیلات دیپلمات موفق کسی است که با بیان زیبا و شیوایی که دارد در جهت منافع خود به جذب حداکثری پردازد. امام علی (ع) می فرمایند: « سخن نیک بگوئید که بدان معروف شوید» (جرداق، ج ۴، ۱۳۷۶: ص ۴۴۷). از نکات دیگری که می بایست بدان توجه داشت موقعیت شناسی بیان مطالب می باشد « آنجا که باید سخن درست گفت، در خاموشی خیری نیست، چنانکه در سخن نا آگاهانه نیز خیری نخواهد بود» (دستی، ۱۳۸۰: ص ۷۲۳). آنچه می بایست مد نظر داشت این است که خوب حرف زدن لازمه حرف خوب زدن است، ابزار به کرسی نشان دادن سخن خوب، خوب بیان داشتن و رسا سخن گفتن است که در نشان دادن آن بردل ها نقش بی بدیلی را داراست. نکته ی دیگر و مهم تر آنکه دیپلمات موفق کسی است که نسبت به آنچه که میداند امانتدار بوده و به راحتی هر آنچه به آن اشراف دارد بیان نکند. « سخن در بند توست، تا آن را ننگفته باشی، و چون گفתי تو در بند آئی». (همان) « آنکس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست» (همان: ص ۶۶۵).

#### ۷-۱) لزوم انجام مشورت در امور مهم و حساس

از محسنات یک فرد دیپلمات در یک هیئت دیپلماتیک، هماهنگی و وحدت رویه در برخورد و تصمیمات آنها است و این امر محقق نمی شود مگر آنکه ایشان قبل از حضور در مذاکرات، نسبت به آنچه که قرار است اتفاق بیفتد با یکدیگر و یا با کارشناسان خبره، پیرامون موضوع مورد مذاکره به بحث و تبادل نظر بپردازند و سپس به یک نتیجه معقول و منطقی دست پیدا کنند. حضرت علی (ع) می فرماید: « آنکس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا، خوب شناسد» (همان:ص ۶۶۷) و «پشتیبانی مطمئن تر از مشورت کردن نیست» (همان:ص ۶۵۱).

#### ۸-۱) فرصت شناسی

در نهایت آنکه؛ یک دیپلمات موفق، پس از مورد ملاحظه قرار دادن اخلاقیات در امورات مورد مذاکره، از فرصت های بوجود آمده نهایت استفاده و بهره مندی را می برد و با موقعیت سنجی دقیق خود به دور از هر گونه شتاب زدگی و یا سستی، آنچه را که می بایست انجام دهد به موقع و در زمان مناسب خود، به سرانجام می رساند.

حضرت علی (ع) می فرماید: « مبادا هرگز در کاری که وقت آن نرسیده شتاب، یا در کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی، و یا در چیزی که (حقیقت آن) روشن نیست ستیزه جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی! تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص خود انجام دهی» (همان:ص ۵۹۱). چراکه؛ « فرصت ها چون ابرها می گذرند، پس فرصتهای نیک را غنیمت شمارید» (همان-۶۲۷) و «پیش از آنکه فرصت ها از دست بروند و اندوه به بار آورد از فرصت ها استفاده کنید» (همان:ص ۵۳۴).

#### نتیجه گیری

با دقت در فرآیند جهانی روابط دیپلماتیک، به وضوح مشاهده می شود که در نظام بین الملل برخاسته از خرد تکثر گرای سیاسی، بازیگران این نظام به دنبال کشف نقاط مشترک برای برقراری روابط فی مابین بر سر کسب منافع و به فراخور آن، تأثیر گذاری بهتر در جهت بازی گردانی بهینه تر هستند. بدین منظور، بازیگران نظام بین المللی برای تحقق اهدافشان، نیازمند راهبردی اصولی

در جهت کسب پرستیژ بهتر و اعتماد سازی اساسی تر در تبادلات و مناسبات بین المللی خود با دیگر همنوعان عرصه بین الملل می باشند و بر این اساس هر بازیگری که از برنامه راهبردی منطقی تر و اصولی تر پیروی کند، بالطبع در جهت اهداف مورد نظر خود پیشرو تر و موفق تر جلوه گر خواهد بود.

یکی از مباحثی که امروزه در مناسبات دیپلماتیک جایگاه پیدا نموده و اساسا دستاورد حاصل از تفکر خسته از جنگ و خونریزی بشری است؛ رعایت اخلاق در مناسبات و مذاکرات و تدوین قرار دادهای بین المللی می باشد. علیرغم آنکه بسیاری معتقدند اخلاق و مناسبات دیپلماتیک دو پیکان در جهت مخالف یکدیگر هستند اما امروزه شاهد هستیم در ادبیات سیاسی بسیاری از نخبگان، اخلاق جایگاه خود را باز نموده است.

رعایت اخلاق وضعیتی است که ابناء بشر در قبال همنوعان خود به رسم ادب مورد عنایت قرار می دهند و از آنجائیکه مناسبات دیپلماتیک نیز بخشی از همین مناسبات انسانی است، پس دلیلی بر عدم تسری اخلاق به این عرصه مشاهده نمی شود. چرا که همانگونه که به طور مثال در تجارت و صنعت ملاحظه اخلاقی وجود دارد، در روابط دیپلماتیک نیز به همین وجه می توان برای اخلاق جایگاه ویژه ای قائل شد. (نوروزی، مرداد ۸۷). بدین اعتبار، اکنون که جایگاه اخلاق در مناسبات سیاسی مورد توجه قرار گرفته دلیلی بر عدم حضور دین در مناسبات سیاسی مشاهده نمی شود، چرا که اخلاق یکی از مؤکدات ادیان، بخصوص دین مبین اسلام و به مراتب اولی تر مذهب تشیع علوی که بر پایه ی قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) استوار گردیده است، می باشد.

لذا به نظر می رسد که دستگاه دیپلماسی کشورهای مسلمان و شیعی با عنایت به پیشینه اخلاقی -سیاسی مکتب تشیع، می توانند اخلاق اسلامی و علوی خود را در مناسبات بین المللی و مذاکرات دیپلماتیک به عنوان راهبردی اصولی طراحی نموده و از این منظر به کسب اعتبار در جهت منافع ملی خود بپردازند و به این منظور در خصوص چگونه عملکردن با همتایان دیپلمات خود، رویکردهای ذیل را می توانند مد نظر قرار دهند :

(۱) توجه دقیق به پیشینه ی اخلاق سیاسی مکتب اسلام علوی و شیعی .

- ۲) مذاقه بیش تر در مورد طراحی الگوی جهانی اخلاق دیپلماتیک بر پایه ی اخلاق علوی .
- ۳) مورد ملاحظه قرار دادن راهبرد اخلاق اسلامی بر پایه ی آموزه های شیعی در مناسبات و مذاکرات دیپلماتیک با عنایت به سه اصل اساسی و مهم کشور، یعنی: حکمت، عزت، مصلحت.
۴. بکارگیری دیپلمات متعهد و متخصص، و آشنا با آموزه های شیعه علوی
۵. نشان دادن حسن ظن در روابط دیپلماتیک فی ما بین، با تاکید بر مبانی اسلام شیعی بالاخص در اندیشه اخلاق علوی
۶. احترام شان و شخصیت طرف مقابل با استمداد از اخلاق علوی و تاکید بر آن به عنوان آموزه های اسلام علوی

#### منابع و مأخذ

- ۱- ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید). (۱۳۶۶). الجمل النصره لسید العتره ، ترجمه : محمود ،علوی دامغانی ، نشر نی.
- ۲- جرداق، جرج. (۱۳۷۶). امام علی (ع) صدای عدالت انسانی ، جلد ۱، ترجمه: سید هادی خسرو شاهی، نشر خرم.
- ۳- همان. (۱۳۷۶). امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، جلد ۲، ترجمه : سید هادی خسرو شاهی ، نشر خرم.
- ۴- همان. (۱۳۷۶). امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، جلد ۳، ترجمه : سید هادی خسرو شاهی ، نشر خرم.
- ۵- همان. (۱۳۷۶). امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، جلد ۴، ترجمه : سید هادی خسرو شاهی ، نشر خرم.
- ۶- همان. (۱۳۷۶). امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، جلد ۵، ترجمه : سید هادی خسرو شاهی ، نشر خرم.

۷- همان.(۱۳۷۶).امام علی (ع) صدای عدالت انسانی،جلد۶، ترجمه : سید هادی خسرو شاهی ، نشر خرم.

۸- ربانی گلپایگانی ،علی.(۱۳۸۱).جبر و اختیار، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع).

۹- سیدرضی.(۱۳۸۰).نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی (ع) ، ترجمه : محمد دشتی ، انتشارات مشهور ، چاپ نهم.

۱۰- گزارش سجاد نوروزی از نقد و بررسی کتاب اخلاق و دیپلماسی ،نوشته دکتر توسکانو، همشهری ۲۰ مرداد ۸۷  
[www.hamshahronline.ir](http://www.hamshahronline.ir)

۱۱- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، جلد ۶، کتابخانه دیجیتالی موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور،

<http://www.noorlib.ir/View/fa/Book>

۱۲- مطهری، مرتضی ، سیری در نهج البلاغه ، کتابخانه دیجیتالی موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)،

<http://lib.ahlolbait.com/parvan/resource/41514>



